

بوشیدو، طریقت سامورایی

15 اردیبهشت 1391

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

در تاریخ پر فراز و نشیب ژاپن (نیهون¹)، سامورایی‌ها²، از جایگاه خاصی برخوردارند. این سلحشوران و مبارزان بی‌باک، از سلسله قوانین و راه و رسم‌هایی پیروی می‌کردند که تابع یک طریقت آیینی به نام «بوشیدو»³ بود. واژه‌ی بوشیدو از دو کلمه‌ی مجزای «بوشی»⁴ و «دو»⁵ تشکیل یافته که به احتمال بسیار زیاد ریشه‌ای چینی دارند، به خصوص لغت «دو» که از واژه‌ی چینی «دائو»⁶ به معنای راه اتخاذ شده، لغت «بوشی» نیز به معنای سلحشور و جنگاور می‌باشد، در نتیجه لفظ «بوشیدو» به معنای «راه سلحشوران» است.

واژه‌ی «سامورای» یا «سامورایی» به معنای خدمت‌گذار و ملازم بوده و ریشه‌ای چینی دارد. این کلمه در ژاپن و پیش از دوره‌ی «هی‌آن»⁷، به صورت «سابورایو»⁸ و سپس «سابورای»⁹ تلفظ می‌شد که بعدها به صورت واژه‌ی «سامورای» تغییر شکل یافت. اولین سند مکتوبی که این کلمه در آن به ثبت رسیده «کوکینشو»¹⁰ است که در اوایل قرن دهم میلادی نگاشته شد.

قبل از دوره‌ی «هی‌آن»، نظامیان ژاپنی با الگوهایی از ارتش امپراتوری چین، به سازماندهی ارتش می‌پرداختند. در آغاز دوره‌ی «هی‌آن»، یعنی اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم میلادی، امپراتور «کامو»¹¹ برای فتح سرزمین‌های شمالی ژاپن و شکست یاغیان «امیشی»¹²، گارد ویژه‌ای را فراهم آورد که بعدها سامورایی‌ها به صورت رسمی از این گارد امپراتوری مشتق شده و تکامل یافتند.

سامورایی‌ها به عنوان محافظان و مردان جنگی، استخدام می‌شدند و گاه در خدمت یک خانواده‌ی اشرافی و یا ملاکان و نجیب‌زادگانی که به آن‌ها «دای‌میو»¹³ گفته می‌شد، درآمد و به ارباب خود بسیار وفادار بودند. به سامورایی‌هایی که ارباب و یا «دای‌میو»ای نداشتند، «رونین»¹⁴ گفته می‌شد که این افراد، گاه بسیار خطرناک قلمداد می‌شدند.

در قرن دوازدهم میلادی، جنگ‌های طایفه‌ای میان دو خاندان «تایرا»¹⁵ و «میناموتو»¹⁶ شکل گرفت و این امر سبب شد تا در دوره‌ی «توکوگاوا»¹⁷، سامورایی‌های بسیاری به قدرت برسند و هنرهای جنگی، بسیار

پیشرفت کند. از این‌رو در دوران «شوگونی»¹⁸ «توکوگاوا» (1603-1867)، سامورایی‌ها به مقامات بالایی دست یافتند و در این میان، رونین‌های بسیاری نیز پدیدار شدند.

سامورایی‌های ناراضی و نزول یافته که اکثر آن‌ها به قلمروهای «چوشو»¹⁹ و «ساتسوما»²⁰ تعلق داشتند، در این جنجال قدرت، نظام شوگونی را در سال 1867 برانداختند و پس از آن، تمامی نیروها به‌صورتی واحد در خدمت امپراتور درآمد و امپراتور که در دوران شوگونی، تنها به‌صورت یک نماد ملی بود و در امور سیاسی نقشی نداشت، به‌طور مستقیم در راس امور کشور ژاپن قرار گرفت.

در این میان، هنوز قبایل و طایفه‌هایی با دولت به مخالفت می‌پرداختند اما به‌مرور، این قبایل نیز به حکومت مرکزی پیوستند.

سامورایی‌ها به‌عنوان سلحشورانی متعهد به اصول اخلاقی، پیرو طریقت «بوشیدو» یا «راه و رسم سامورایی» بودند. بنابر گزارش‌های تاریخی، قوانین بوشیدو در دوره‌ی «کاماکورا»²¹ (1185-1333) شکل گرفت و متونی نیز پیرامون آن به‌نگارش در آمد. اصول آیینی و اخلاقی بوشیدو، از دو منبع عمده اتخاذ شد: یکی مکتب «ذن»²² و دیگری «آیین کنفوسیوس»²³.

طریقت ذن، از مکاتب بودایی «مهایانه»²⁴ محسوب می‌شود که در حدود قرن ششم میلادی در چین تولد یافت. این مکتب که اساس آن، مراقبه و عدم اتصال به عناصر ذهنی‌ست، در حدود قرن سیزدهم میلادی به ژاپن راه یافت و در این سرزمین به شکوفایی فوق‌العاده‌ای نایل آمد. بسیاری از سامورایی‌ها، به‌سوی این طریقت سوق یافتند و به‌مرور، بنیان‌های آیینی ذن، در تار و پود ساموراییسم نفوذ پیدا کرد و جزیی از آن شد. آرامش ذهنی در ذن و نیز نگرش خاص آن به محیط و به‌خصوص دست‌آوردهای ارزشمند این طریقت پیرامون مرگ، برای سامورایی‌ها بسیار مهم و گیرا بود. آیین کنفوسیوس هم که پانصد سال قبل از میلاد در چین متولد شد، به‌صورتی غیر مستقیم، بر فرهنگ و تاریخ ژاپن تاثیر گذاشت.

اصول اخلاقی بوشیدو بسیار تحت تاثیر اصول کنفوسیوس قرار گرفت و با بن‌مایه‌های اخلاقی ژاپنی‌ها، پایه‌های جدیدی تشکیل شد. شاید بتوان گفت اصول اخلاقی بوشیدو تحت تاثیر کنفوسیوس قرار داشت و پایه‌های آیینی و ذهنی آن، از مکتب ذن شکل یافت.

ذن، شمشیر سامورایی را از یک ابزار سلاخی، به یک عنصر تعالی‌بخش ارتقا داد. در این میان نقش آیین باستانی ژاپن، «شینتو»²⁵ بر چنین تکاملی را نمی‌توان انکار کرد. احترام به نیاکان و ارزش نهادن به روح واحد جهان هستی، که در تمامی عناصر مادی و معنوی زندگی تجلی می‌یابد، یکی از بزرگ‌ترین بازتاب‌های مکتب شینتو محسوب می‌شود. از این‌رو پیوند شینتو و ذن، یک فرانگری بسیار شگرف را در بینش و شعور سامورایی خلق کرد که در آن، درک زندگی و مرگ، تحقق یافت و با چنین بینشی، یک سامورایی آن‌چنان ذهنی قدرتمند یافت که حتا در برابر قوانین اخلاقی بسیار دشوار بوشیدو نیز، ترسی

به‌خود راه ندهد، از جمله می‌توان به مواقعی که سامورایی شکست می‌خورد و یا شرافتش لکه‌دار می‌شد و باید مراسم انتحار (خودکشی) یا هاراگیری²⁶ را انجام می‌داد، اشاره داشت.

نمونه‌ی بسیار شگفت‌آور این روی‌داد را می‌توان در زمان جنگ جهانی یافت. پس از انفجار دو بمب اتمی در «هیروشیما» و «ناکازاکی» و اعلام تسلیم رسمی ژاپن از سوی امپراتور، بسیاری از سربازان و افسرانی که هنوز با ذهنیت ساموراییسم می‌زیستند، دست به هاراگیری سنتی زدند.

اصول اخلاقی بوشیدو، بر پایه‌های احترام و وفاداری نسبت به ارباب و مقامات بالا و به‌خصوص خدمت به امپراتور و ملت استوار شد. حفظ اصالت، شرافت و راستی، اصول اخلاقی راه را رقم زد و تخطی از این ارزش‌های گران‌بها، غیرقابل بخشش بود، و ننگ آلوده‌شدن به عدم رعایت چنین اصولی، تنها با ریخته شدن خون سامورایی با دست‌های خودش پاک می‌شد.

بنیان‌های فضیلت بوشیدو، با تعهد و استواری بر هفت اصل اساسی و بنیادین استوار بود:

- 1- گی (Gi) : راستی
- 2- یو (yu) : شهامت
- 3- جین (Jin) : نیکخواهی
- 4- ری (Rei) : احترام
- 5- ماکوتو (Makoto) : درستی
- 6- می‌یو (Meiyo) : شرافت
- 7- چویوگی (Chaugi) : وفاداری

پی‌نوشت‌ها :

- 1 . Nihon
- 2 . Samurai
- 3 . Bushido
- 4 . Bushi
- 5 . Do
- 6 . Dao
- 7 . Heian
- 8 . Saburau
- 9 . Saburai
- 10 . Kokinshu
- 11 . Kammu
- 12 . Emishi
- 13 . Daimyo
- 14 . Ronin
- 15 . Taira
- 16 . Minamoto
- 17 . Tokugawa
- 18 . Shogun
- 19 . Choshu

20 . Satsuma

21 . Kamakura

22 . Zen

23 . Confucianism

24 . Mahayana

25 . Shinto

26 . Harakiri